

آیت‌الله مجتبی‌تهرانی از اساتید برجسته اخلاق ضمن طرح این پرسش که «در لحظات آخر سال چه کنیم؟»، با استناد به احادیثی از امیرالمؤمنین، امام حسین و امام صادق علیهم السلام به این پرسش پاسخ گفت.

به گزارش خبرگزاری فارس، آیت‌الله مجتبی‌تهرانی از اساتید برجسته اخلاق با طرح این پرسش که «#171؛ در نوروز چه باید کرد؟»، ضمن پاسخ به آن مباحثی را در این زمینه مطرح کرد که مشروح آن در پی می‌آید:

اگر بنا باشد همیشه مباحث علمی را بدون اینکه در کنارش تنبّهی برای ما وجود داشته باشد مطرح کنیم فکر می‌کنم فایده‌ای نداشته باشد، لذا خوب است گاهی برای ایجاد تنبّه مسائلی را مطرح کرده و در آن تأمل کنیم.

از جمله این مسائل مسئله «؛مرور ایام» است. به تعبیر همگانی انسان گاهی از «؛گذشت زمان» غفلت می‌کند و این غفلت موجب می‌شود انسان از خواب غفلتی که او را فرا گرفته است بیدار نشود. در این عالم اموری که موجب اعتبار و پندپذیری می‌گردد زیاد است اما انسان از آن عبرت نمی‌گیرد! علی(علیه‌السلام) می‌فرماید: «؛مَا أَكْثَرَ الْعِیَرِ وَ أَقَلَّ الْإِعْتِبَارَ». یکی از موضوعاتی که انسان باید از آن پند و عبرت بگیرد و منتبه و بیدار شود مسئله «؛گذشت زمان» است.

امام صادق(علیه السلام) به نقل از آبای گرامشان در روایتی همه فهم، فرمودند: «مَا مِنْ يَوْمٍ يَأْتِي عَلَى ابْنِ آدَمَ إِلَّا قَالَ لَهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ يَا ابْنَ آدَمَ أَتَا يَوْمٌ جَدِيدٌ»، هیچ روزی نیست که بر فرزند آدم وارد می‌شود مگر اینکه آن روز به او می‌گوید: من برای تو روزی نو و جدید هستم! «وَأَتَا يَوْمٌ جَدِيدٌ»، من نوروزم! من برای تو روز نویی هستم! «وَأَتَا عَلَيْكَ شَهِيدٌ»، و من، یعنی زمان، نسبت به تو گواهی دهنده هستم! «وَفَاعْصِلْ فِي خَيْرٍ»، در من عمل خیر انجام بده، «وَأَعْمَلْ فِي خَيْرٍ أَشْهَدُ لَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَإِنَّكَ لَنْ تَرَانِي بَعْدَهَا أَبَدًا»، من در روز قیامت نسبت به اعمال تو شهادت می‌دهم و تو بعد از این هیچ‌گاه مرا نخواهی دید مگر در روز قیامت.

* ما خود تشکیل دهنده زمان هستیم

* هر روز که می‌گذرد، تو کم می‌شوی!

از حسین بن علی (علیهما السلام) منقول است که فرمودند: «#171: يَا بَنِي آدَمَ إِنَّمَا أَنْتَ أَيَّامٌ كَلَّمَا مَضَى يَوْمٌ ذُهِبَ بَعْضُكَ»، ای انسان! ای فرزند آدم! تو روزگار هستی، «#171: إِنَّمَا أَنْتَ أَيَّامٌ»، تو خودت روزگار هستی، تو ایام و روزها هستی، هر روزی که می‌گذرد مقداری از تو کاسته می‌شود. این طور نیست که تو ثابت باشی و روزگار بگذرد، تو ساکن باشی و او گذرا باشد. هر روز که می‌گذرد مقداری از ما نیز می‌گذرد و از ما کاسته می‌شود، هر ماه و سالی که می‌گذرد یک ماه و سال نیز از ما کاسته می‌شود؛ یعنی هر روز و ماه و سالی که

می‌گذرد، به همان میزان سرمایه و هستی انسان که عمر او است نیز خواهد گذشت. با گذشت روز و ماه و سال هستی ما هم می‌گذرد.

* امسال هم «؛ بخشی از هستی ما « از دست رفت!

یک سال دیگر گذشت، اما آیا با سپری شدن این زمان من هنوز وجود دارم؟ خیر! همه هستی من وجود ندارد؛ با گذشت این سال بخشی از هستی من نیز گذشته است. لذا خوب است انسان نسبت به آنچه از او گذشت و از سرمایه و هستی‌اش کاسته شده متنبه و متذکر شود است. خوب است همان طور که نسبت به امور مادی‌اش فکر می‌کند نسبت به عمر و هستی‌اش نیز فکر کند تا ببیند این سرمایه را در چه راهی مصرف کرده است.

* این ایام، وقت حساب‌رسی نسبت به عمر است!

علی(علیه‌السلام) در روایتی به نقل از نبی اکرم فرمودند که؛ «؛ أَكْبَسُ الْكَيْسِينَ « زیرک‌ترین زیرکان، «؛ مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ، کسی است که از خود حساب بکشد، «؛ وَ عَمِلَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ « و کارهایش را در ارتباط با جهان دیگر انجام دهد. «؛ فَقَالَ رَجُلٌ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وقتی علی(علیه‌السلام) این جملات را از پیغمبر نقل فرمود شخصی سوال کرد، «؛ كَيْفَ يُحَاسِبُ نَفْسَهُ، انسان چگونه از خود حساب بکشد؟ «؛ قَالَ(علیه‌السلام) إِذَا أَصْبَحَ، حضرت فرمود: هرگاه شب را به روز آورد، «؛ ثُمَّ أُمْسَى، و روز را به شب رساند، «؛ رَجَعَ إِلَى نَفْسِهِ، بازگشتی به خود داشته باشد، «؛ وَ قَالَ يَا نَفْسِي، و بگوید: ای فلانی! «؛ إِنَّ هَذَا يَوْمٌ مَضَى عَلَيْكَ، امروز روزی بود که بر تو گذشت، «؛ لَنَا يَعُودُ إِلَيْكَ أَبَدًا، در حالی که هیچ‌گاه به سوی تو باز نمی‌گردد، «؛ وَ اللَّهُ يَسْأَلُكَ عَنْهُ بِمَا أَفْتَيْتَهُ، و خدا از تو می‌پرسد آن را در چه راهی مصرف کردی؟

در اینجا صحبت از روز نیست، حضرت دارد به زبان من و شما صحبت می‌کند، این روز و ایام نیست که فانی شده، این بخشی از هستی ما است که گذشته و از دست رفته است. خداوند سوال می‌کند که این سرمایه را در چه راهی فانی کردی؟ «؛ فَمَا الَّذِي عَمِلْتَ فِيهِ، چه کاری در این روز انجام دادی؟ «؛ أَذْكَرْتَ اللَّهَ أَمْ حَمِدْتَهُ، آیا در این روز به یاد خدا بودی و او را حمد و ستایش کردی؟ «؛ أَقَضَيْتَ حَوَائِجَ مُؤْمِنٍ فِيهِ، آیا در این روز خواسته و حاجت برادر ایمانیات را با این که قدرت داشتی برآورده کردی؟ «؛ أَتَقَسَّتَ عَنْهُ كَرْبَةً، آیا از گرفتاری‌های او گره‌گشایی کردی؟ «؛ أَحَفِظْتَهُ بِظَهْرِ الْعَيْبِ فِي أَهْلِهِ وَ وَلَدِهِ، آیا در غیاب برادر مؤمنت اخوت اسلامی و ایمانی را نسبت به خاندان و فرزندش رعایت کردی؟ «؛ أَحَفِظْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ فِي مُحَلِّفِهِ، آیا بعد از مرگ او از این حریم ایمانی نسبت به بازماندگانش حراست و مراقبت کردی؟ «؛ أَكَفَقْتَ عَنْ غِيَّةِ أَخٍ مُؤْمِنٍ، آیا از غیبت کردن پشت سر برادر مؤمنت جلوگیری کردی؟ «؛ أَعَنْتَ مُسْلِمًا، آیا کمک کار برادر مسلمانان بودی؟ «؛ مَا الَّذِي صَنَعْتَ فِيهِ، در این روز چه کار کردی؟

* روش تفکر در ایام گذشته

علی(علیه‌السلام) روش تفکر در ایام گذشته را بیان می‌فرماید. در روایات نسبت به هر روز چنین سفارشی وجود دارد. آیا ما هر روز یک چنین محاسبه‌ای انجام می‌دهیم؟ یا حداقل هفته‌ای یک‌بار و یا ماهی یک‌بار می‌نشینیم فکر کنیم که چه کارهایی انجام داده‌ایم. برخی از افراد برای امور مادی‌شان دفتر روزانه و هفتگی دارند و راجع به آنچه که در آن با توجه به فعالیت‌های آن روز یا آن هفته ثبت شده فکر می‌کنند. برخی هم دفتر سالانه دارند و در آخر سال بیلان کار خود را ارائه می‌دهند که در این سال چه کارهایی انجام داده‌اند.

* در لحظات آخر سال چه کنیم؟!

آیا سزاوار نیست که انسان هنگامی که لحظات آخر سالش فرا می‌رسد این‌طور فکر کند؟ یک سال بر ما گذشت! به عبارت دیگر بخشی از هستی ما رفت و هیچ‌گاه به ما برنخواهد گشت مگر در روز قیامت که این قطعه از هستی ما آن‌گاه به ما باز می‌گردد که نموداری از کردار گذشته‌مان در این سال را به ما نشان می‌دهد. همان طور که علی(علیه‌السلام) فرمود خوب است انسان بنشیند و در این باب فکر کند در سالی که گذشت و به اتمام رسید چه کردم؟ آیا به یاد خدا بودم؟ آیا او را ستایش کردم؟ آیا گرفتاری برادر مؤمنم را رفع کردم؟ آیا حاجتی از او برآورده کردم؟ آیا در غیابش مراقب بودم تا حیثیتش را حفظ کنم؟ آیا در این سال به وظایف برادری و اسلامی خود نسبت به دوستانی که از دست دادم عمل کردم؟ آیا حال بستگان آنها را جويا شدم؟ ولو اینکه به حسب ظاهر از آنها دل‌جویی کنم؟

* در سالی که گذشت چه کردیم؟! الآن چه کنیم؟!

علی(علیه‌السلام) بعد از آنکه چند چیز برای روش تفکر و محاسبه نسبت به گذشته آموخت فرمود: «؛ مَا الَّذِي صَنَعْتَ فِيهِ، به

خود بگو: ای فلانی! در این روزی که گذشت و به عبارت دیگر قسمتی از وجود و هستی‌ات در این عالم که از دست رفت چه کردی؟
«فَيَذْكُرُ مَا كَانَ مِنْهُ» پس گذشته را یادآور شود، «فَإِنْ ذَكَرَ أَنَّهُ جَرَى مِنْهُ حَيْرٌ» اگر به گذشته مراجعه کرد و دید آنچه که بر او گذشته خیر بوده است، «حَمْدَ اللَّهِ وَ كِبْرَهُ عَلَى تَوْفِيقِهِ» حمد خدا را به جا آورد و بگوید: «الحمد لله» و نسبت به این موفقیتی که خدا به او عنایت فرموده بگوید: «والله اكبر» و بداند این توفیق هم از خدا بوده است، «وَ إِنْ ذَكَرَ مَعْصِيَةً أَوْ تَقْصِيرًا» و اگر دید گناهی انجام داده و خطایی از او سر زده، «اسْتَغْفَرَ اللَّهَ» از خدایش پوزش بخواهد و استغفار کند، «وَ عَزَمَ عَلَى تَرْكِ مُعَاوَذَتِهِ» و تصمیم بگیرد که دیگر به آن گناه بازنگردد و آن را تکرار نکند.

اگر انسان بخواهد به معنای واقعی خودش را بسازد، یکی از راه‌های بزرگ برای سازندگی انسان توجه به اعمال گذشته خود می‌باشد. خصوصاً از فرصت‌هایی که برای انسان پیدا می‌شود برای تنبّه و تذکر خود و اینکه از خواب غفلت بیدار شود و نسبت به آینده تنظیم شود استفاده کند که یکی از این فرصت‌ها پایان سالی است گذشت. امسال تمام شد و گذشت اما ما چه کردیم؟

هستی و سرمایه‌ای که از ما کاسته شد را در چه راهی و چگونه مصرف کردیم؟ انسان نسبت به اعمال یک ساله‌اش بیلان آخر سال عرضه کند. همان طور که علی(علیه‌السلام) می‌فرماید این موجب می‌شود تا انسان نسبت به آینده‌اش مراقب باشد. امیدوارم خداوند به ما توفیق عنایت کند تا از گذشته‌های خود نسبت به آینده‌مان عبرت بگیریم!